

بررسی ارتباط بین متغیرهای زمینه‌ای و نیازهای انسانی با گذران اوقات فراغت (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر شیراز)

بیژن خواجه‌نوری^{۱*}، بهجت حاجیان^۲

۱- دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف مطالعه حاضر، بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و نیازهای انسانی با گذراندن اوقات فراغت بوده است. برای این منظور ۵۱۷ دانش‌آموز دختر دبیرستانی شهر شیراز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه جمع‌آوری گردید. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری و برای پایایی، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین شغل مادر، درآمد پدر و مادر، میزان تحصیلات پدر و مادر، طبقه اجتماعی، بعد خانوار، و نیازهای ایمنی، احترام، اجتماعی و خودشکوفایی با گذران اوقات فراغت رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین در نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام به ترتیب چهار متغیر درآمد پدر کمتر از ۲۵۰ هزار تومان، پدر بی‌درآمد و مادر بی‌درآمد با بتای منفی و نیاز ایمنی با بتای مثبت، روی هم توانستند ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

واژه‌های کلیدی: نیازهای انسانی، اوقات فراغت، دختران دبیرستانی، شیراز.

مقدمه و بیان مسأله

اوقات فراغت^۱ و رفتارهای فراغتی به عنوان بخشی از زندگی افراد، نمایانگر بینش و تفکر، علایق، فرصت‌ها و امکانات در دسترس افراد و همچنین، نشان دهنده فرهنگ و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است. اوقات فراغت حق طبیعی هر انسانی است و باید به عنوان نیاز اساسی و پایه ای برای وی محسوب گردد.

هر چه به تمدن کنونی یا تمدن صنعتی نزدیکتر شده‌ایم، مقوله اوقات فراغت به عنوان یک نیاز خاص جوامع بشری نمایان تر شده است، تا حدی که بعضی تمدن امروز را "تمدن فراغت" نام نهاده‌اند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲). امروزه فراغت در کشورهای در حال توسعه نیز تا اندازه زیادی به فراغت در جوامع صنعتی مانند شده است و از آن‌جا که گاه در این نوع جوامع نیز همچون جوامع صنعتی خصوصیات عمده فراغت (فاصله گرفتن از اجبارهای اجتماعی- فرهنگی و جدا شدن آن از سایر فعالیت‌ها) و همچنین، عواملی چون افزایش یافتن این اوقات به علت ممنوعیت کار کودکان، آموزش اجباری و رایگان و افزایش تدریجی سال‌های تحصیل، تأخیر انداختن هر چه بیشتر سن متوسط ورود به بازار کار، افزایش امید زندگی، افزایش سن ازدواج و بهبود زندگی، به چشم می‌خورد، در نتیجه، برای افراد این جوامع نیز وقت فراغت ایجاد شده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳).

شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه بازتاب کننده چگونگی گذران اوقات فراغت است که استفاده مطلوب از این اوقات می‌تواند برای بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه تأثیر بسیاری داشته باشد. لذا بهره‌گیری شایسته از اوقات فراغت، منوط به برنامه‌ریزی دقیق و متناسب با نیازها و اجرای موفق است. برنامه‌ریزی اوقات فراغت نمی‌تواند چیزی مستقل و بی‌ارتباط با سایر اوقات باشد، بلکه باید با برنامه‌های کلان زندگی ارتباط داشته باشد و مؤید و راهگشا و زمینه‌ساز آن باشد (بزرگیان به نقل از صفایان، ۱۳۸۰: ۱۲۸). بنابراین، در دهه‌های اخیر نیاز به رویکردهای نظری که بتواند چنین فرآیند مهم اجتماعی و فرهنگی و تغییرات آن را درک کند و توضیح دهد، احساس می‌شد. در پی آن نیز با اهمیت یافتن این مقوله، لزوم توجه جوامع به مبحث اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن و متأثر از آن،

بخصوص در بین نسل جوان و نوجوان بیشتر احساس می‌شود. قشری که سازنده آینده همین جوامع بشمار می‌روند.

در جهان پر تنش امروز که انسان‌ها به دلیل مشغله فراوان همواره احساس خستگی می‌کنند، اهمیت اوقات فراغت بر کسی پوشیده نیست. فراغت می‌تواند بر زندگی افراد تأثیر مثبتی بگذارد، به گونه‌ای که آنان از زندگی خود لذت ببرند. این تأثیر فقط شامل فرد نمی‌شود، بلکه چون افراد، جامعه را تشکیل می‌دهند؛ فراغت مناسب به برنامه کلان هر جامعه نیز کمک خواهد کرد (پور اسماعیل، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

مجموعه مطالعات جدید نشان می‌دهد که سازماندهی اوقات فراغت از مهمترین عرصه‌هایی است که می‌تواند به تأمین نیازهای اساسی انسان (مادی، معنوی) کمک کند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۴). اوقات فراغت به عنوان بخشی از زمان، یک پدیده فرهنگی و اجتماعی و موضوعی مشترک برای تمام اقشار جامعه است، اما در این بین، همواره جوانان از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند. جوانان به عنوان یکی از این گروه‌های حساس جامعه محسوب می‌شوند که در همه اعصار و قرون و در هر محدوده جغرافیایی با هر نام و نشانی به آن توجه و تأکید خاصی شده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳ ب). اگنیو و پترسون^۱ معتقدند که اوقات فراغت تأثیر قاطعی بر رشد اجتماعی و روانی نوجوانان می‌گذارد (خواجه نوری و هاشمی نیا، ۱۳۸۹: ۳۳). همچنین، فعالیت‌های اوقات فراغت دوران نوجوانی عموماً برای رفتارهای اوقات فراغت در دوران بزرگسالی بسیار مهم تلقی می‌گردد (تامپسن و همکاران، ۲۰۰۳). صاحب نظران علوم اجتماعی، اوقات فراغت را معیار مناسبی برای تشخیص سلامت و استحکام ساختار تربیتی جامعه می‌دانند و بر این باورند که بهره‌برداری شایسته از زمان‌های فراغت، جامعه را به سوی سازندگی اخلاقی و شکوفایی اقتصادی هدایت می‌نماید و استفاده نامناسب از آن، منجر به افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. ضمن آنکه توجه به چگونگی گذران اوقات فراغت در نوجوانان و به ویژه جوانان، به دلیل ورود ناگهانی آنان به اجتماع و در نتیجه افزایش احتمال بروز رفتارهای نامتعادل و پرخطر در این اوقات، از اهمیت فراوانی برخوردار است. دانش‌آموزی که ساعات زیادی را جهت مطالعه و

تحصیل سپری می‌نماید، نیاز به اوقات فراغتی دارد تا از جنبه‌های روحی و جسمی به ترمیم و تقویت خود بپردازد. بدیهی است که برنامه‌ریزی‌های دقیق و متناسب با سطح نیاز و علائق می‌تواند موجبات سرزندگی و نشاط در جوانان شود و به دنبال آن جامعه‌ای سالم را در پی داشته باشد.

آدامز و گوتا^۱ براین باورند که اوقات فراغت تنها نهادی است که امروزه در زندگی نوجوانان می‌تواند با مدرسه و خانواده رقابت داشته باشد (خواجه نوری و هاشمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۳۳). نظام آموزش و پرورش ایران نسبت به بسیاری از کشورها از تعطیلات زیادی برخوردار است. این زمان طولانی در صورت توجه نکردن به فعالیت‌های فراغتی دانش‌آموزان نوجوان و جوان بسیار مسأله‌ساز خواهد بود (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲: ۶۵). نوجوانان نیاز به فراغت و یا بطور عام‌تر به هیجان و سرگرمی دارند. اگر آنان قادر نباشند که این نیازها را از طریق کانال‌های به لحاظ اجتماعی پذیرفته شده ارضا کنند، ممکن است که برای ارضای آن از طریق مجاری بزهکارانه عمل نمایند (خواجه نوری و هاشمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۳۷).

مطالعات مربوط به اوقات فراغت دختران جوان نتایج مهمی دربر دارد که شاخص‌ترین آن‌ها تفاوت در میزان و کیفیت اوقات فراغت دختران جوان نسبت به پسران است (رفعت‌جاء، ۱۳۸۶: ۱۶۸). تمایز در فراغت، در دل دیدگاه کلی جامعه درباره جنسیت قرار دارد و عوامل متعددی در این قشر بندی دخیل‌اند. به نظر می‌رسد دختران جوان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی، اجتماعی و عرفی جامعه ایران نیاز به برنامه‌های فراغتی متفاوت از برنامه‌های فراغتی پسران داشته باشند. خستگی مفرط و افسردگی علاوه بر کاهش کارایی در محیط کار و تحصیل، باعث تخریب روابط انسانی در حوزه‌های اجتماعی و خانوادگی می‌شود، این در حالی است که طبق آخرین بررسی‌ها، نسبت افسردگی زنان بیشتر از مردان است. دختران جوان امروز که زنان آینده ایران ما هستند، چه در نقش مادری، چه در نقش همسری و چه در نقش‌های اجتماعی خاص که برای خود برمی‌گزینند، در کنار آموختن و تلاش، به اوقات فراغت برای تجدید قوا نیاز دارند و پژوهشگران در این زمینه می‌توانند نکات مبهمی را روشن

سازند که ضرورت پرداختن به آن روز به روز بیشتر احساس می شود (برازنده، ۱۳۷۷:۵۸، به نقل از رفعت جاه: ۱۶۷).

هدف مطالعه حاضر، شناسایی ارتباط بین متغیرهای زمینه‌ای و نیازهای انسانی با گذراندن اوقات فراغت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز است. از دیدگاه مازلو^۱ (۱۹۷۰) که متغیر نیازهای انسانی این پژوهش برگرفته از تئوری نیازهای انسانی وی است، همه انسان‌ها، بدون در نظر گرفتن فرهنگ، دارای پنج نیاز اساسی هستند (هارپر و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۱)، از جمله نیاز فیزیولوژیکی^۲، ایمنی^۳، اجتماعی یا تعلق^۴، عاطفی^۵، و خودشکوفایی^۶. راجرز^۷ معتقد است که اولاً نیازها یا همبستگی دارند، ثانیاً رفتار در درجه اول پاسخ به انگیزه‌های زمان حال است. نوع فعالیت‌های فراغتی دختران نیز به نوع احساس نیاز آنان و یا برآورده شدن نیازهایشان در زمینه‌های مختلف بستگی دارد؛ نحوه گذراندن اوقات فراغت افراد به عواملی از جمله سن، میزان تحصیلات، شغل، درآمد، علاقه، محل زندگی، تعداد اعضای خانواده، دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت و سایر عوامل دیگری بستگی دارد.

مروری بر پیشینه تحقیق

تا دهه ۱۹۸۰ میلادی، در حوزه نظری علوم اجتماعی، مطالعات فراغت یکی از متروک‌ترین حوزه‌های مطالعات اجتماعی محسوب می‌شد. یکی از علت‌های این مسأله تسلط سنت مارکسیستی بر بیشتر حوزه‌های نظری علوم اجتماعی بود؛ علتی که باعث شده بود بحث فراغت بحثی غیر ضروری و روبنایی در علوم اجتماعی به حساب آید (راجک، ۱۹۹۸: ۲). اوقات فراغت و نحوه گذران آن، پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، به موضوعی مهم در حوزه جامعه‌شناسی بدل شده است (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲: ۶۲). رجبی و آقا (۱۳۶۹) در مطالعه خود در بین دانش‌آموزان شیرازی نتیجه گرفتند که جنس، پایه تحصیلی،

1 Moslow

2 Physiological need

3 Safety need

4 Belonging need

5 Esteem need

6 Self-Actualization need

7 Rogers

محل تولد، نوع شغل والدین، تحصیلات والدین، در آمد خانواده، تعداد فرزندان، وسایل سرگرم کننده و آموزنده در دسترس با اوقات فراغت رابطه مستقیم دارند. عابدینی (۱۳۷۲)، در تحقیقی در بین دختران دبیرستانی در منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران به این نتایج دست یافت که بی سواد و کم سواد والدین، پایین بودن درآمد و مراتب شغلی پدران، پرجمعیت بودن خانواده ها، کمک گرفتن مادران از دختران خود در امور منزل، گذراندن اوقات فراغت بیشتر دانش آموزان در خانه و نبود امکان استفاده از فراغت های خارج از خانه در دانش آموزان این منطقه به چشم می خورد. برازنده (۱۳۷۶) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافت که نوع و میزان اوقات فراغت افراد تحت تأثیر زمان و منابع در دسترس است. صالحی (۱۳۷۷) در مطالعه ی خود در بین کارکنان شیلات استان گیلان دریافت که فعالیت های اوقات فراغت با تحصیلات و درآمد رابطه معنادار و مثبت دارد. خواجه نوری و مقدس (۱۳۸۷)، در تحقیق خود در بین دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباد به این نتیجه دست یافتند که بین طبقه اجتماعی، نقش دلبستگی به مدرسه و یا دوستان، فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نوین و میزان مذهبی بودن با اوقات فراغت دارای رابطه معنی داری هستند. سفیری و مدیری (۱۳۸۷) در مقاله ای به بررسی تفاوت های جنسیتی در اوقات فراغت به شیوه فراتحلیل، پرداخته اند. نتایج پژوهش، نشان می دهد که میزان اوقات فراغت و نحوه گذران آن متأثر از جنسیت است و این موضوع در نحوه گذران اوقات فراغت به شدت محسوس است. همچنین میزان اوقات فراغت در مردان بیش از زنان است و اولویت های فراغتی در مردان و زنان متفاوت است؛ به گونه ای که در گذران اوقات فراغت زنان، فراغت های معطوف به خانواده بیش تر مشاهده می شود و همچنین فراغت های هدفمند نیز در ایشان بیشتر است. رضایت زنان نیز در زمینه اوقات فراغت از مردان کمتر است. ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۸)، در تحقیق خود در بین جوانان شهر بابل در یافتند که، متغیرهای پایگاه اجتماعی- اقتصادی و میزان تحصیلات جوانان، با گذران اوقات فراغت آنان همبستگی دارند. همچنین، میزان گرایش پسران به انجام فعالیت های زمان فراغت، بیش از دختران بود. تپیا (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان بررسی پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان ۲۹-۱۸ سال دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دریافت که بین پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی و انواع فراغت رابطه وجود دارد. به این

شکل که هر چه پایگاه اجتماعی^۱ اقتصادی دانشجویان بالاتر باشد، از مقدار انواع فراغت آن-ها کاسته می‌شود. ربانی و شیرینی (۱۳۸۸)، در تحقیقی در بین جوانان تهرانی به این نتیجه دست یافتند که طبقه اجتماعی و ترکیب همزمان جنسیت با طبقه اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت نقش تعیین کننده‌ای دارد. خواجه نوری و هاشمی نیا (۱۳۸۹) در پژوهشی در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز به این نتیجه رسیده‌اند که بین فعالیت های فراغتی سازمان نیافته و بزهکاری رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از مدل رگرسیونی با چهار متغیر وقت تلف کردن، جنسیت، جامعه پذیری بدون نظارت و اوقات فراغت سازمان یافته بر روی هم ۲۳ درصد تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین کرده است. صادقی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای که به بررسی نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت، پرداخته‌اند دریافتند که فراغت در زندگی اجتماعی جوانان اهمیت نمادینی دارد و با اشکال مختلف تمایزات و نابرابری‌های اجتماعی در جامعه رابطه معنادار دارد. ابراهیمی و مسلمی پطروودی (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی پایین‌تر از حد متوسط است. و از میان سه بعد سرمایه فرهنگی، دو بعد سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده دارای تأثیر معنادار بر اوقات فراغت می‌باشند.

هارگریو^۱ (۱۹۸۹) در مقاله‌ای که به مشکلات فراغت و ورزش زنان می‌پردازد، اشاره می‌کند که قدرت فرهنگی مردان از زنان بیشتر است و به لحاظ تاریخی فرصت‌های فراغت و ورزش مردان بیش از زنان بوده است، اما در دهه‌های اخیر زنان توانسته‌اند این تسلط را به چالش بکشند. این افزایش تعداد زنان به تغییر ادراک قبلی آن‌ها انجامیده است؛ ادراکی که طبق آن رفتاری خاص در فراغت و ورزش وجود دارد و این امر بر برابری زنان و مردان در زندگی تأثیر می‌گذارد؛ اما باید درک کرد که چه محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز چه اشکال نمادین و ایدئولوژیکی در مورد ورزش زنان وجود دارد (روجک، ۱۹۸۹: ۴). مورهاس^۲ (۱۹۸۹) در مقاله‌ای در پی نشان دادن این است که فراغت در دوره صنعتی شدن در مقابل کار قرار داشت و آن‌چه به زمان‌های فراغت افراد ضرب آهنگ حرکت می‌داد، ماهیت

1 Hargreaves

2 Moorhouse

کار یا سازمان اجتماعی کار بود. وی اذعان می‌دارد که مدل فراغت افراد را می‌توان براساس موقعیت اجتماعی اقتصادی و سازمان اجتماعی کار آن‌ها طبقه‌بندی کرد (همان: ۲). استودولسکا^۱ (۲۰۰۶) در مطالعه خود نشان داده است که انجام فعالیت‌های اوقات فراغت مشروط به پایگاه خاص خانوادگی و همچنین شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بریکلند^۲ و همکارانش (۲۰۰۹) در مطالعه طولی که به بررسی رابطه بین فعالیت‌های جسمی اوقات فراغت و اخلاق افسردگی در میان نوجوانان نروژی پرداختند، به این نتیجه دست یافتند که بین فعالیت‌های جسمی در زمان اوقات فراغت و افسردگی رابطه معکوسی وجود دارد.

ادبیات نظری تحقیق

وبلن^۳ را می‌توان پیشگام نظریه پرداز اوقات فراغت دانست. از نظر وی، حرمت نفس، بازتاب حرمتی است که دیگران برای انسان قایل می‌شوند. بنابراین اگر شخص به دلیل عدم توفیق در کوشش‌های رقابت‌آمیز موردپسند جامعه، چنین حرمتی را به دست نیآورد، از فقدان حرمت نفس رنج خواهد برد. بنابراین انگیزه تلاش وقفه‌ناپذیر در یک فرهنگ رقابت‌آمیز، در هراس از دست دادن حرمت نفس ریشه دارد (کوزر، ۱۳۸۰: ۳۶۱). پژوهش‌ها و تئوری‌های فمینیستی غالباً با دیدی مردانه به موضوع اوقات فراغت پرداخته‌اند. اما فمینیست‌ها سعی نمودند بنیانهایی زنانه نیز برای انتخاب اوقات فراغت زنان و مردان و مقایسه آن‌ها با هم بیابند. از نظر آن‌ها نقش زنان در خانواده بخصوص اهمیتی که به فرزندزایی و پرورش فرزند داده می‌شود مانعی در مقابل مشارکت مساوی دو جنس در اوقات فراغت می‌باشد. از سوی دیگر مشارکت زنان در اوقات فراغت در مقایسه با مردان هم طبقه خود به دلیل کمبود زمان و پول محدود می‌شود. همچنین فرهنگ مردسالارانه اجازه دسترسی به اوقات فراغت همچون مردان به زنان را نمی‌دهد. شیوه‌هایی که برای زنان زشت و نامطلوب تلقی شده و موجبات انقیاد زنان توسط مردان را فراهم می‌کند و به نابرابری جنسی دامن می‌زند (ابراهیمی و

1 Stodolska

2 Birkeland

3 Veblen

همکاران، ۱۳۹۰ الف: ۶). از نظر کلارک و کریتچر^۱ زنان انتظار می‌رود (و خود آن‌ها نیز انتظار دارند) در آن دسته از فعالیت‌های فراغتی مشارکت جویند که در زمان و مکان سازگار با نقش‌های تثبیت شده آن‌ها مناسب تعریف شده باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰ ب: ۷۶).

طبق تعریف پارکر^۲ اوقات فراغت، زمانی است که فرد مازاد بر زمان کار یا وظایف دیگرش دارد و از این زمان برای استراحت، تفریح، موفقیت و پیشرفت اجتماعی یا فردی استفاده می‌نماید یا به به دانش و اطلاعات خود می‌افزاید، مهارت‌های خود را ارتقا می‌بخشد و یا میزان مشارکت داوطلبانه خود را در زندگی و در عرصه‌ای حرفه‌ای، خانوادگی و اجتماعی افزایش می‌دهد (پارکر، ۱۹۷۶: ۳۹). وی سه سنخ فعالیت فراغتی را تشخیص داده است:

۱- فراغت بعنوان دنباله کار: در این سنخ، فعالیت‌های فراغت و کار غیرقابل تفکیک هستند. این نوع فراغت معمولاً در گروهی از مردم که سطح تحصیلات بالا دارند مشاهده می‌شود.

۲- فراغت متضاد با کار: متضاد نشان‌دهنده فعالیت‌هایی است که با شغل فرد تضاد دارند و فرد در اوقات فراغت خود از فعالیت‌های شغلی کاملاً جدا شده و فعالیت‌های بسیار متفاوتی را انجام می‌دهد. در این الگو فعالیت‌های شغلی اساساً برای ایجاد فرصت‌های فراغتی انجام می‌شوند و خود ماهیت کار اهمیت زیادی برای فرد ندارند. این الگو معمولاً در افرادی با شغل‌هایی با سطح مهارت پایین دیده می‌شود.

۳- فراغت خنثی: الگویی است که در آن فعالیت‌های فراغتی مستقل از فعالیت‌های کاری است و هیچ رابطه‌ای چه بصورت تضاد و چه بصورت دنباله‌روی با آن ندارد (وین، ۱۹۹۸: ۲۶-۲۵).

تورکیلدسن^۳ (۱۳۸۲) معتقد است عوامل مهمی که بر نوع انتخاب فرد برای گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارند، عبارتند از: عوامل مربوط به خود فرد (مرحله زندگی، علائق، نگرش-ها، توانمندی‌ها، شرایط رشد و شخصیت فرد)، عوامل مربوط به محیط زندگی فرد (بافت اجتماعی، زمان فراغت، شغل و میزان درآمد) و موقعیت‌های و خدماتی که در اختیار فرد قرار دارند (منابع، امکانات، برنامه‌ها و فعالیت‌های در دسترس).

1 Clarke, & Critcher

2 Parker

3 Torkildsen

دومازدیه فراغت را به پنج دسته تقسیم کرده است که شامل فراغت‌های جسمانی، هنری، فکری، عملی و اجتماعی است. از نظر او فراغت کامل دارای خصایص زیر است: ۱- رها بودن از وظایف اجتماعی و جدایی از اجبارها، ۲- هدف و حیثیت مادی نداشتن و جدایی و تأمین معیشت، ۳- نشاط آور و شادمانی آور بودن و احساس لذت بردن، ۴- پاسخگویی نیازهای فردی بودن، ۵- انجام آزادانه و داوطلبانه. او کارکردهای اوقات فراغت را در سه دسته رفع خستگی، تفریح و سرگرمی و رشد و شکوفایی فردی قرار می‌دهد (سفیری، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

از نظر بوردیو^۱، این فرآیند تمایز است که سبک‌ها و فعالیت‌های اوقات فراغت را به حرکت درمی‌آورد (هیوود و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۲۰، به نقل از ربانی و شیرینی، ۱۳۸۸: ۲۱۵). بر اساس نظر وی، برای تجزیه و تحلیل سبک‌ها، سلیقه‌ها، تمایلات و مفاهیم فعالیت‌های خاص برای مردمان خاص باید از محدوده داده‌های توصیفی پا را فراتر بگذاریم. افراد برای گزینش فعالیت‌های اوقات فراغت به علت چندین عامل از جمله سن و جنس دچار محدودیت هستند. در واقع این عوامل محدودکننده و توانمندسازنده، باعث محدودیت چیزی می‌شود که بوردیو آن را حوزه (امکانات) می‌نامد. وی بر آن است که علایق و سلیقه‌ها، خواست‌ها و استنباط‌ها در مورد فعالیت‌های اوقات فراغت در دوران کودکی، در درون خانواده و محیط اجتماعی پیرامون شکل می‌گیرد (هیوود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۵۶). در واقع تمام گزینه‌های فراغتی بر پایه شالوده منش، بنا نهاده شده و افراد با توسط آن به طیفی از شایستگی‌های فرهنگی یا سرمایه فرهنگی دست می‌یابند که انواع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را کم و بیش در اختیارشان قرار می‌دهد یا امکان‌پذیر می‌سازد (همان: ۳۵۸).

چارچوب نظری

بوردیو دیدگاه جدیدی را در عرصه اوقات فراغت و سبک زندگی به وجود آورد. او به عرصه و میدان توجه می‌کند. مطابق با هر میدان، سرمایه‌هایی شکل می‌گیرد، که سبک زندگی گوناگونی را به صورت عادتواره به وجود می‌آورد (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۴۱). میدان در نظریه بوردیو، پهنه اجتماعی کم و بیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از

بازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌های تعریف شده و توانایی‌هایی سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات دست یابند (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۵ به نقل از ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۷). بورديو طی دوره‌ای بیست ساله تحقیقاتی درباره فعالیت‌های اوقات فراغت و سبک‌های زندگی انجام داد تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های مبتنی بر طبقه پایدار می‌ماند. وی معتقد است که پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. از نظر وی، علایق و سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فعالیت‌های فراغت در دوران کودکی و در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود. "منش" دارای شالوده‌ای است که تمام گزینه‌های فراغت بر آن بنا نهاده شده و افراد از طریق شکل گرفتن "منش" به طیفی از "شایستگی‌های فرهنگی" یا "سرمایه فرهنگی" دست می‌یابند که انواع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را کم و بیش در اختیارشان قرار می‌دهد یا امکان‌پذیر می‌سازد. به بیان وی، فعالیت‌های فراغت، در واقع "حوزه‌ای از امکانات وابسته به شایستگی‌های فرهنگی" است. در این حوزه انواع گوناگون فعالیت‌های فراغت و فضاهاى مختلف (اعم از باشگاه‌های خصوصی یا تسهیلات عمومی) و رویکردهای گوناگونی که فرد احتمالاً ممکن است بپذیرد یافت می‌شود. همه این‌ها به شخص امکان انتخاب می‌دهد و البته این گزینه‌ها بستگی به شرایط ویژه‌ای دارد که در اختیار شخص است. از طرف دیگر، اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و شیوه‌های خاص، وابسته به توزیع اجتماعی آن‌هاست؛ به این معنا که افراد انتخاب‌های خود را با توجه به آگاهی‌هایی که در مورد گزینه‌های سایر افراد دارند انجام می‌دهند. بعضی فعالیت‌ها، شیوه‌ها و فضاها به آسانی قابل دسترس و "متعارف" اند در حالی که بعضی دیگر به علت کمیابی، گرانبها، متمایز و به نسبت غیرقابل دسترس‌اند. غیرقابل دسترس بودن هم مربوط به عوامل مادی و هم مربوط به شایستگی‌های ویژه و مورد نیاز آن‌هاست.

نظریه بورديو را می‌توان بصورت خلاصه این گونه بیان نمود:

۱- افراد با توجه به تجربیات اول زندگی خویش، خواست‌های ویژه و متفاوتی پیدا می‌کنند

که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه تبدیل می‌گردد.

۲- این خواست‌ها قابلیت نقل مکان دارد؛ و در تمام اشکال فعالیت فراغت و مصرف‌گرایی خودنمایی می‌کند.

۳- افراد از نظر برداشتی که از فراغت و از فعالیت‌های فراغتی دارند با همدیگر متفاوت‌اند.

۴- سبک‌ها و فعالیت‌های گوناگون نیاز به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی دارد.

۵- اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و سبک‌های خاص فراغت به نحوه توزیع آن‌ها در بین گروه‌های مختلف اجتماعی بستگی دارد.

۶- گزینه‌های فراغت از این اهمیت توزیعی سرچشمه می‌گیرد که علایق و سلیقه‌ها،

ابزارهایی برای بریدن از جامعه‌اند (هیوود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۶۰-۳۵۵).

فرصیات تحقیق

- بین متغیرهای زمینه‌ای و گذراندن اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد.

- بین نیاز فیزیولوژیک و گذراندن اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد.

- بین نیاز ایمنی و گذراندن اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد.

- بین نیاز قدردانی و گذراندن اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد.

- بین نیاز اجتماعی و گذراندن اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد.

- بین نیاز خودشکوفایی و گذراندن اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است و با تکنیک پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز

جمع‌آوری شد. جامعه‌ی آماری تحقیق دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در سال تحصیلی

۸۶-۸۷ در شهر شیراز بوده‌اند که در چهار ناحیه به تحصیل مشغول بوده‌اند (سازمان آموزش و

پرورش فارس معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی منابع انسانی، گروه طرح و برنامه، ۱۳۸۷). حجم

نمونه با استفاده از فرمول لین محاسبه شد (لین، ۱۹۷۸: ۴۴۶-۴۴۷). نمونه‌ی گزینشی نیز برابر با

۵۱۷ نفر بود. شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. بر اساس جمعیت هر ناحیه سهمی از

نمونه به نواحی اختصاص یافت. سپس در هر ناحیه تعدادی از دبیرستان‌ها بطور تصادفی انتخاب

و بر اساس جمعیت هر مدرسه نیز همچنان به نسبت پرسشنامه‌ها توزیع شدند. برای تعیین اعتبار و پایایی پرسشنامه از اعتبار صوری و اعتبار سازه (تحلیل عامل) استفاده شد. برای اعتبار صوری پرسشنامه به تعدادی از صاحب نظران و همچنین چندین تن از دختران دبیرستانی و دانشجوی سال اول و دوم ارائه شد. همچنین برای اعتبار سازه از تحلیل عاملی استفاده شد. برای محاسبه ی پایایی گویه‌های پرسشنامه از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. جدول شماره ۱ نشان‌دهنده پایایی متغیرهای نیازهای انسانی و گذراندن اوقات فراغت است. همانگونه که در جدول قابل مشاهده است، کلیه متغیرها دارای پایایی بالا و قابل قبولی هستند که نشان می‌دهد گویه‌های بکار رفته برای هر متغیر، مناسب و صحیح بوده است.

جدول (۱) پایایی نیازهای انسانی و گذراندن اوقات فراغت

متغیر	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا
نیاز فیزیولوژیکی	۱۶	۰/۷۶۴
نیاز امنیت	۱۴	۰/۷۲۹
نیاز اجتماعی	۱۵	۰/۷۵۹
نیاز قدردانی (احترام)	۱۱	۰/۷۲۸
نیاز خودشکوفایی	۱۹	۰/۷۷۷
گذراندن اوقات فراغت	۴۶	۰/۹۰۹

تعریف متغیرها

اوقات فراغت: "فراغت" در فرهنگ دهخدا به معنای آسایش و استراحت، ضد گرفتاری از کار، مشغله فراغت داشتن و فراموش کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۵۱). معین (۱۳۸۰) نیز در بیان فراغت چنین گفته است: پرداختن از فراغ، آسایش و استراحت، آسوده بودن و آرامش داشتن. گروه بین المللی جامعه شناسی فراغت در تعریف خود از فراغت میل فردی را سرلوحه هر امری تلقی می‌کنند و می‌گویند فراغت مجموعه‌ای از اشتغالات است که فرد با رضایت خاطر یا برای استراحت و یا برای تفریح و یا به منظور توسعه آگاهی‌ها و یا فراگیری غیر انتفاعی و مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی

بدان می‌پردازد. (عصاره، ۳۰، به نقل از پوراسماعیل، ۱۳۸۵: ۱۹۳). در جدول شماره ۲ به گویه‌های تشکیل دهنده این متغیر اشاره شده است.

جدول (۲) تعریف عملیاتی متغیر اوقات فراغت

گویه‌های تشکیل دهنده متغیر اوقات فراغت	
پیامک (SMS)	مشاهده برنامه‌های تلویزیون (داخلی)
حضور در کافی‌نت	استفاده از اینترنت برای سرگرمی و وقت‌گذرانی
تمرین یوگا	دید و بازدید از خویشاوندان
انجام فعالیت هنری (نقاشی، موسیقی، ...)	مطالعه روزنامه‌ها و مجلات خارجی
جستجوی لباس‌های جدید در فروشگاه‌های لباس (بوتیک‌ها)	استفاده از اینترنت برای کسب اطلاعات اجتماعی - فرهنگی
حضور در کتابخانه‌ها	حضور در پارک‌ها و تفرج‌گاه‌ها
پرسه زدن بی‌هدف در خیابان‌ها	استفاده از e-mail
حرکات آیروبیک	مشاهده‌ی برنامه‌های تلویزیون (خارجی)
استفاده از وسایل وزن کم کردن	بلوتوس بازی
استراحت کردن	صرف غذا در فست‌فودها یا ساندویچ‌فروشی‌ها
مهمانی‌های دوستانه (Party)	ورزش تناسب اندام
تی وی گیم و مانند آن	گوش دادن به برنامه‌های رادیو (خارجی)
مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه (مانند انجمن‌ها)	مطالعه‌ی روزنامه‌ها و مجلات داخلی
بازی‌های رایانه‌ای	گشت و گذار در خیابان‌ها، پاساژها، ...
چت کردن	انجام فعالیت‌های مذهبی
کلاس زبان‌های خارجی	با دوستان بودن
کلاس رایانه و یا نرم‌افزارهای رایانه‌ای	پیاده روی به عنوان ورزش
مطالعه‌ی کتاب‌های داستان	گوش دادن به برنامه‌های رادیو داخلی
حضور در مجالس مذهبی	رفتن به سینما، تئاتر، ...
گوش دادن به برنامه‌های مذهبی رادیو یا تلویزیون	استفاده از DVD، CD موسیقی، MP3 player
مطالعه‌ی کتاب‌های دینی	کلاس‌های هنری (موسیقی، نقاشی، ...)
حضور در باشگاه‌ها یا سالن‌های ورزشی	کلاس‌های آموزش فنی
استفاده از ویدئو	صرف غذا در رستوران

نیازهای انسانی: همیلتون معتقد است که نیازهای شرایط ضروری و اشتیاق‌هایی هستند که انسان با وجود آن‌ها می‌تواند بطور کامل عمل کند. نیازها تقلیل‌پذیر به خواست‌ها^۱ یا ترجیحات^۲ نیستند، اما شکل‌گیری و درک آن‌ها بطور علی تحت تأثیر خواست‌ها و ترجیحات است. وی بین شرایط ضروری برای این که انسان به لحاظ انسانیت خود بطور حداقلی عمل کند با آن‌چه که نیازهای حیاتی^۳ می‌نامد (برای مثال شامل نیاز به آب، پناهگاه، تغذیه کافی و تحرک است) و شرایط اخلاقی و سیاسی وسیع تر برای آن که بطور کامل به عنوان یک انسان عمل کنند که همیلتون آن‌ها را تحت عنوان نیازهای عاملی^۴ می‌نامد (برای مثال شناخت بین ذهنی^۵، بیان فعال و خلاق^۶، استقلال به عنوان هدف^۷). بیرو برای نیاز سه وضعیت را نشان می‌دهد. نخست آن که نیاز، احساس فقدان و حرمانی است که می‌تواند به یک موجود زنده بخصوص انسان صاحب آگاهی در جریان دستیابی به هدف‌هایش با آن روبرو شود، دست دهد. به باور بیرو این احساس می‌تواند جهات آسیمی داشته باشد زیرا موجب تمایل انسان به هر آن‌چه می‌شود که امکان ارضای نیاز را فراهم می‌سازد. دوم حالتی موجودی به ذهن متبادر می‌شود که از خارج و در برابر آن‌چه در جریان تحقق اهدافش کم دارد، به او نگریسته می‌شود. سوم شیئی در نظر گرفته می‌شود که موجود زندگی بدان نیازمند است (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۴۲). از دیدگاه ماری^۸ "نیاز عبارت است از نیرویی که از ذهنیات و ادراک آدمی سرچشمه می‌گیرد و اندیشه و عمل را چنان تنظیم می‌کند که فرد به انجام رفتاری می‌پردازد تا وضع نامطلوبی را در جهت معینی تغییر دهد و حالت نارضایی را به رضایت و ارضای نیاز تبدیل کند" (نیک رحیمی، ۱۳۷۴: ۹-۱۰). در جدول شماره ۳ به گویه‌های تشکیل دهنده این متغیر پرداخته شده است.

1 Wants

2 Preference

3 Vital needs

4 Agency needs

5 Intersubjective recognition

6 Active & creative expression

7 Autonomy as goal

8 Murray

جدول (۳) تعریف عملیاتی متغیر نیازهای انسانی

اهمیت دادن به نظرات شما در خانواده	نیاز اجتماعی	غذای روزانه	نیاز فیزیولوژیکی
نقش دادن به جوانان در جامعه		داشتن اتاق خواب مستقل	
اعتماد به دیگران		آگاهی از زمان بلوغ و مسائل آن	
داشتن دوست یا دوستانی صمیمی		جایی برای زندگی کردن	
روابط خوب با مردم		کالاهای خانگی (مانند میل، جارو برقی، ...)	
امکان مسافرت به سایر مناطق ایران		بهداشت مناسب در محیط اجتماعی	
اعتماد خانواده به شما		لباس نو	
وجود مشاور و راهنمای خوب		تفریحات سالم	
داشتن تنوع در زندگی		داشتن چهره‌ای زیبا	
توجه خانواده به نیازهای عاطفی و روحی شما		داشتن اندامی مناسب	
اعتماد اولیای مدرسه به شما		خدمات پزشکی در دسترس	
وجود نظم در اجتماع		داشتن اندامی سالم	
مورد اعتماد دوستان بودن		استراحت کافی	
مشارکت در کارهای مدرسه	امکانات ورزشی مدرسه یا محیط زندگی		
آگاهی از مسائل روز جامعه	داشتن وسایل ورزشی		
داشتن الگوی مناسب برای ادامه‌ی آینده	غذای کافی	نیاز ایمنی	
کلاس‌های فوق برنامه (کامپیوتر، زبان، ...)	احساس امنیت در بین دوستان		
تحصیلات دانشگاهی	داشتن کار مزدی		
نیاز به خود باوری	داشتن امنیت در خانواده		
وجود مراکز علمی	اشتغال پس از اتمام تحصیل دبیرستان		
ارتباط با خدا	داشتن امنیت در اجتماع		
انجام فعالیت‌های مذهبی	نداشتن نگرانی در باره‌ی آینده		
فرست پیشرفت کردن	آرامش روحی		
رعایت حقوق جوانان در خانواده	روابط خانوادگی صمیمی		
داشتن دوستی از جنس مخالف	وجود آرامش در خانه		
کادر علمی و اداری خوب در مدرسه	محیطی زیبا در اطراف محل زندگی		
یادگیری یک حرفه	پول و رفاه		
امکانات فیزیکی بیشتر در مدارس (کتابخانه، ...)	آشنایی با مشاغل مختلف برای انتخاب در آینده		
کتاب درسی مناسب	موسیقی شاد		
دسترسی به اطلاعات علمی	روحیه‌ی شاد و سالم	نیاز به قدردانی و احترام	
دسترسی به اطلاعات فرهنگی	اینکه دیگران شما را درک کنند		
داشتن پاسخی در مورد زندگی، حیات و مرگ و ...	استقلال فردی		
نداشتن نگرانی برای زندگی آینده	نیاز به همدردی دیگران		
امکانات کمک درسی در مدرسه	عدم تبعیض بین دختر و پسر در خانه		
	عدم تبعیض بین پسر و دختر در اجتماع		
	اهمیت دادن دیگران به شخصیت شما		
	اهمیت دادن به نظرات شما در مدرسه		
	توجه اولیای مدرسه به نیازهای عاطفی و روحی شما		
	رعایت حقوق تان در مدرسه		
	آگاهی به حقوق تان در خانواده و اجتماع		
داشتن آزادی بیشتر در خانه			

یافته‌های تحقیق

در جداول زیر، به آمار استنباطی تحقیق پرداخته می‌شود و ارتباط هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته سنجیده می‌شود. جدول شماره ۴ نشان دهنده تفاوت میانگین گذران اوقات فراغت بر اساس نوع شغل پدر و مادر است. بین نوع شغل پدر و گذران اوقات فراغت، با توجه به میزان سطح معناداری ($Sig=0/07$) ارتباط معناداری وجود ندارد، ولی بین شغل مادر و گذران اوقات فراغت دختران نوجوان ارتباط معناداری ($Sig=0/004$) وجود دارد. با توجه به میانگین مشاغل، بالاترین میانگین برای مشاغل نیمه‌دولتی - هیأت مدیره ($m=55/1$) است و کمترین میانگین برای شغل خانه‌داری ($m=41/3$) است. بنابراین، افرادی که شغل مادرشان در دسته مشاغل نیمه‌دولتی - هیأت مدیره است بیش از سایرین به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازند در حالی که دخترانی که مادرشان خانه‌دار است کمتر از سایرین به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازند.

جدول (۴) تفاوت میانگین گذران اوقات فراغت بر اساس نوع شغل پدر و مادر

سطح معنی‌داری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	نوع شغل	
0/07	3/22	11/7	41/5	25	دولتی - مدیر	پدر
		15	46/5	128	دولتی - کارمند	
		19/1	38	271	خصوصی - برای خودش	
		14	56	80	خصوصی - برای دیگران	
		23/4	48/4	4	نیمه دولتی - هیأت مدیره	
		32/7	42/6	9	نیمه خصوصی - کارمند	
0/004	3/27	16/4	41/3	412	خانه دار	مادر
		15/7	48/7	9	دولتی - مدیر	
		16/3	51	36	دولتی - کارمند	
		22	44/1	47	خصوصی - برای خودش	
		35	55/1	7	خصوصی - برای دیگران	
		27/4	58/4	3	نیمه دولتی - هیأت مدیره	

جدول شماره ۵ تفاوت میانگین گذراندن اوقات فراغت بر اساس درآمد پدر و مادر را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری ($Sig=0/000$) بین درآمد پدر و گذراندن اوقات فراغت، ارتباط معناداری وجود دارد، همچنین بین درآمد مادر و گذران اوقات فراغت نیز ارتباط معناداری ($Sig=0/002$) وجود دارد. همانطور که میانگین درآمدها در جدول نشان داده شده است، برای درآمد پدر، بالاترین میانگین برای درآمد ۷۵۰ هزار تومان به بالا ($m=49$) است و کمترین میانگین برای بدون درآمد ($m=32$) است. بنابراین، دخترانی که درآمد پدرشان بالاتر از ۷۵۰ هزار تومان است بیش از سایرین به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازند در حالی که دخترانی که پدرشان درآمدی ندارد کمتر از سایرین به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازند.

برای درآمد مادران نیز، همانند پدران، بالاترین میانگین برای درآمد ۷۵۰ هزار تومان به بالا ($m=54$) است و کمترین میانگین برای درآمد کمتر از ۲۵۰ هزار تومان ($m=40/8$) است. بنابراین، دخترانی که درآمد مادرشان بالاتر از ۷۵۰ هزار تومان است بیش از سایر دختران دبیرستانی به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازند در حالی که دخترانی که مادرشان دارای درآمد کمتر از ۲۵۰ هزار تومان است کمتر از سایرین به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازند.

در نتیجه می‌توان گفت که میزان درآمد خانواده ارتباط مستقیمی با گذراندن اوقات فراغت توسط دختران دارد؛ هرچه سطح درآمد در خانواده بالاتر باشد، دختران بیشتر شرایط استفاده از امکانات گذراندن اوقات فراغت را دارند، در حالی که در خانواده‌هایی که والدین درآمد پایینی دارند، دخترانشان کمتر فرصت استفاده از امکانات فراغتی را دارند. بنابراین، سطح درآمد یکی از عوامل تعیین‌کننده گذران اوقات فراغت برای دختران نوجوان است.

جدول (۵) تفاوت میانگین گذراندن اوقات فراغت بر اساس درآمد پدر و مادر

سطح معنی داری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	درآمد پدر	
۰/۰۰۰	۱۱/۹۶	۱۴/۷	۳۲	۳۷	بدون درآمد	پدر
		۱۳/۸	۳۷	۱۳۶	کمتر از ۲۵۰ هزار تومان	
		۱۸/۲	۴۶	۱۹۹	۲۵۱-۵۰۰ هزار تومان	
		۱۶/۴	۴۳/۱	۷۲	۵۰۱-۷۵۰ هزار تومان	
		۱۹/۷	۴۹	۷۳	۷۵۰ هزار تومان به بالا	
۰/۰۰۲	۴/۴	۱۶/۳	۴۱/۴	۴۱۶	بدون درآمد	مادر
		۲۳/۴	۴۰/۸	۳۲	کمتر از ۲۵۰ هزار تومان	
		۲۰	۴۸/۸	۴۴	۲۵۱-۵۰۰ هزار تومان	
		۱۹/۴	۵۳/۳	۱۹	۵۰۱-۷۵۰ هزار تومان	
		۲۴/۷	۵۴	۶	۷۵۰ هزار تومان به بالا	

جدول شماره ۶ تفاوت میانگین گذراندن اوقات فراغت بر اساس میزان تحصیلات پدر و مادر را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری ($Sig=0/000$) بین میزان تحصیلات پدر و مادر و گذراندن اوقات فراغت، ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به میانگین میزان تحصیلات، برای میزان تحصیلات پدر، بالاترین میانگین برای پدر با تحصیلات لیسانس و بالاتر ($m=49$) است و کمترین میانگین برای پدر بی‌سواد ($m=32/5$) است. برای میزان تحصیلات مادر نیز، بالاترین میانگین برای مادر با تحصیلات لیسانس و بالاتر ($m=54/1$) و کمترین میانگین برای مادر بی‌سواد ($m=35/7$) است. بنابراین، دخترانی که میزان تحصیلات پدر و مادرشان، لیسانس و بالاتر است بیش از سایرین، و دخترانی که پدر و مادرشان بی‌سواد است کمتر از سایرین به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازند. در نتیجه می‌توان گفت که میزان تحصیلات پدر و مادر ارتباط مستقیمی با گذراندن اوقات فراغت توسط دختران دارد؛ هرچه میزان تحصیلات والدین بالاتر باشد، دختران بیشتر به گذراندن اوقات فراغت می‌پردازند، در حالی که در خانواده‌هایی که والدین میزان تحصیلات پایینی دارند، دخترانشان کمتر به اوقات فراغت می‌پردازند.

بنابراین، شاید بتوان گفت که هر چه سطح تحصیلات والدین بالاتر باشد، بیشتر به اهمیت اوقات فراغت پی برده‌اند و شرایط و امکانات بهتر و غنی‌تری را برای فرزندان خود مهیا ساخته‌اند.

جدول (۶) تفاوت میانگین گذراندن اوقات فراغت بر اساس میزان تحصیلات پدر و

مادر

سطح معنی داری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	میزان تحصیلات پدر	
۰/۰۰۰	۶/۷۷	۱۳/۱	۳۲/۵	۵۶	بی سواد	پدر
		۲۰/۵	۴۱/۸	۷۸	ابتدایی	
		۱۴/۸	۴۰/۶	۷۷	راهنمایی	
		۱۷/۱	۳۹	۴۷	دبیرستان	
		۱۶/۷	۴۳/۶	۱۰۹	دیپلم	
		۲۰/۲	۴۶/۲	۵۹	فوق دیپلم	
		۱۵/۸	۴۹/۵	۹۱	لیسانس و بالاتر	
۰/۰۰۰	۵/۵۶	۱۵/۴	۳۵/۷	۷۳	بی سواد	مادر
		۱۹/۴	۴۲/۲	۱۱۴	ابتدایی	
		۱۶/۳	۴۲	۱۰۷	راهنمایی	
		۲۰/۳	۴۴/۳	۳۶	دبیرستان	
		۱۶/۵	۴۲/۳	۱۲۸	دیپلم	
		۱۱/۳	۴۹/۲	۱۸	فوق دیپلم	
		۱۶/۵	۵۴/۰۱	۴۱	لیسانس و بالاتر	

جدول شماره ۷ نیز تفاوت میانگین گذراندن اوقات فراغت را بر اساس طبقه اجتماعی نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری ($Sig=0/000$) بین طبقه اجتماعی دختران دبیرستانی و گذراندن اوقات فراغت توسط آنان، ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به میانگین‌ها، دخترانی که متعلق به طبقه اجتماعی بالا ($m=49$) هستند بیش از سایر دختران، اوقات فراغت

خود را سپری می کنند و دخترانی که متعلق به طبقه اجتماعی پایین ($m=32/5$) هستند، کمتر از سایرین اوقات فراغت خود را سپری می کنند.

دختران متعلق به طبقه متوسط ($m=42$) نیز در بین این دو گروه قرار دارند و بیشتر از دختران طبقه اجتماعی پایین و کمتر از دختران متعلق به طبقه اجتماعی بالا به فعالیت های اوقات فراغت می پردازند. بنابراین، هرچه طبقه اجتماعی افراد بالاتر باشد، دختران بیشتر می توانند به اوقات فراغت بپردازند و به عکس.

جدول (۷) تفاوت میانگین گذراندن اوقات فراغت بر اساس طبقه اجتماعی

سطح معنی داری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	طبقه اجتماعی
۰/۰۰۰	۹/۵۳	۱۹/۷	۴۹/۷	۷۸	بالا
		۱۷	۴۲	۳۷۳	متوسط
		۱۶/۵	۳۷/۷	۶۶	پایین

جدول شماره ۸، همبستگی بین انواع نیازهای انسانی و بعد خانوار را با گذراندن اوقات فراغت دختران نشان می دهد. در بین نیازها، به جز نیاز فیزیولوژیکی ($Sig=0/092$)، سایر نیازها با گذراندن اوقات فراغت رابطه معنادار دارند. میزان همبستگی نیازهای امنیت، اجتماعی و خودشکوفایی با متغیر وابسته، ۰/۱ است و میزان همبستگی نیاز قدردانی نیز ۰/۲ است.

بنابراین بین این چهار نیاز با گذراندن اوقات فراغت رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. در نتیجه، هرچه دختران نوجوان نیاز امنیت، قدردانی، اجتماعی و خودشکوفایی بیشتری داشته باشند بیشتر نیز به گذراندن اوقات فراغت می پردازند. رابطه بین بعد خانوار و گذراندن اوقات فراغت نیز معنی دار ($Sig=0/032$) و منفی است، به این معنا که هرچه بعد خانوار کوچک تر باشد و خانواده از تعداد افراد کمتری تشکیل شده باشد، دختران بیشتر فرصت پیدا می کنند تا به فعالیت های اوقات فراغت بپردازند.

جدول (۸) همبستگی بین انواع نیازهای انسانی و بعد خانوار با گذراندن اوقات

فراغت

متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معنی داری
نیاز فیزیولوژیکی	۰/۱	۰/۰۹۲
نیاز امنیت	۰/۱	۰/۰۰۹
نیاز قدردانی (احترام)	۰/۲	۰/۰۰۱
نیاز اجتماعی	۰/۱	۰/۰۲۲
نیاز خودشکوفایی	۰/۱	۰/۰۳۳
بعد خانوار	-۰/۱	۰/۰۳۲

جدول شماره ۹، تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام برای گذران اوقات فراغت را نشان می‌دهد. برای گذران اوقات فراغت، به ترتیب، چهار متغیر درآمد پدر کمتر از ۲۵۰ هزار تومان، پدر بی درآمد، مادر بی درآمد و نیاز ایمنی در چهار مرحله وارد مدل گردیده‌اند.

در مرحله اول، متغیر درآمد پدر (کمتر از ۲۵۰ هزار تومان) با بتای ۰/۳- و میزان تبیین- کنندگی ۰/۶ درصد وارد مدل شده است. متغیر پدر بی درآمد در مرحله دوم و با بتای ۰/۲۷- وارد مدل گشته است و میزان تبیین کنندگی را به ۱۳ درصد رسانده است. در مرحله سوم نیز متغیر مادر بی درآمد وارد مدل گشته و با بتای ۳/۷- میزان تبیین را به ۱۷ درصد رسانده است. در نهایت نیز متغیر نیاز ایمنی وارد مدل شده است و با بتای ۰/۲ میزان تبیین کنندگی را به ۲۱ درصد رسانده است. این چهار متغیر روی هم رفته ۲۱ درصد از تغییرات متغیر گذران اوقات فراغت را تبیین می‌کنند. بتای منفی در مراحل اول تا سوم که مربوط به والدین با درآمدهای بسیار پایین و بی درآمد است نشان می‌دهد که ارتباط این سه متغیر با متغیر گذران اوقات فراغت توسط دختران دبیرستانی شهر شیراز، منفی است و هرچه بیشتر سطح درآمد پدر و مادر آنان پایین تر باشد و یا درآمدی نداشته باشند، دخترانشان کمتر به اوقات فراغت خود می‌پردازند. بتای مثبت برای نیاز ایمنی نیز بیان می‌کند که دخترانی که نیاز امنیت بیشتری

احساس کنند، بیشتر به اوقات فراغت می‌پردازند و شاید با انجام چنین فعالیت‌ها و یا رفتن به مکان‌های مرتبط با آن نسبت به سایر فعالیت‌ها و سایر مکان‌ها، بیشتر احساس امنیت می‌کنند.

جدول (۹) متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس گذران اوقات فراغت

مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ²	مقدار F	F Sig	Beta	T	Sig. T
اول	درآمد پدر (کمتر از ۲۵۰ هزار تومان)	۰,۲۶	۰,۰۶	۲۱/۸	۰,۰۰۰	-۰,۳	-۵,۵	۰,۰۰۰
دوم	درآمد پدر (بی‌درآمد)	۰,۳۷	۰,۱۳	۲۳/۲	۰,۰۰۰	-۰,۲۷	-۵/۲	۰,۰۰۰
سوم	درآمد مادر (بی‌درآمد)	۰,۴۱	۰,۱۷	۲۰/۲	۰,۰۰۰	-۰,۲	-۳/۷	۰,۰۰۰
چهارم	نیاز ایمنی	۰,۴۵	۰,۲۱	۱۹/۲	۰,۰۰۰	۰,۲	۳/۷	۰,۰۰۰

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر در پی بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و نیازهای انسانی با گذران اوقات فراغت در بین دختران دانش‌آموز دبیرستانی شیراز در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ بود. متغیر نیازهای انسانی برگرفته از نظریه مازلو بود و چارچوب نظری تحقیق برگرفته از نظریه بورديو در زمینه اوقات فراغت بود. در این پژوهش، شش فرضیه ارائه شد. روش اجرای پژوهش، پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز پرسشنامه بود. نتایج بدست آمده نشان داد که بین نوع شغل مادر، درآمد پدر و مادر، سطح تحصیلات پدر و مادر، طبقه اجتماعی، بعد خانوار و نیازهای ایمنی، قدردانی، اجتماعی و فیزیولوژیکی با گذراندن اوقات فراغت توسط دختران، ارتباط معناداری وجود داشت. پدرانی که دارای حقوق بالاتر از ۷۵۰ هزار تومان و تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند، دخترانشان بیش از سایرین و پدرانی که درآمدی نداشتند و بی‌سواد بودند، دخترانشان

کمتر از سایرین به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پرداختند. همچنین دختران متعلق به مادرانی که دارای مشاغل نیمه دولتی و هیأت مدیره بودند، حقوق بالاتر از ۷۵۰ هزار تومان داشتند و دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند بیش از سایرین و دخترانی که متعلق به مادران خانه‌دار، با درآمد کمتر از ۲۵۰ هزار تومان و بی‌سواد بودند کمتر از سایرین به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پرداختند. علاوه بر این، به ترتیب، دختران متعلق به طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین، اوقات فراغت بیشتری داشتند. با توجه به آمار بالا می‌توان نتیجه گرفت که در خانواده‌های متعلق به طبقات اجتماعی بالاتر که شغل، درآمد و تحصیلات بالاتری دارند، دختران نوجوانی پرورش می‌یابند که بیش از سایر هموعانشان شرایط و امکانات پرداختن به اوقات فراغشان را دارند؛ زیرا هم از نظر مالی تأمین هستند و والدین باسواد و آگاهی بالاتری دارند که بیشتر به نیازهای فرزندان‌شان اهمیت می‌دهند و با دغدغه کمتری آن را برآورده می‌سازند. در مقابل خانواده‌های طبقه اجتماعی پایین و با درآمد و تحصیلات پایین، قادر نیستند که شرایط فراغتی مناسب و درخور توجهی را برای دختران خود فراهم کنند. با توجه به این که بسیاری از فعالیت‌های اوقات فراغت نیاز به پرداخت هزینه مالی است، مسلماً خانواده‌های با درآمد بالاتر بیش از خانواده‌های با درآمد پایین قادر به پرداخت هزینه‌ها هستند و کمتر نسبت به هزینه‌های بالای بعضی از این فعالیت‌ها عکس‌العمل منفی نشان می‌دهند و مقاومت می‌کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که با توجه به این که شرایط عرفی و فرهنگی کشور ما نسبت به فعالیت دختران در خارج از منزل نسبت به پسران، سخت‌گیری بیشتری را اعمال می‌کند، با افزایش سطح سواد و آگاهی در خانواده‌ها، کمتر چنین محدودیت‌هایی را بر دختران خود اعمال می‌کنند و شاید این یکی از دلایلی باشد که ارتباط مثبت بین سطح تحصیلات و گذران اوقات فراغت دختران نوجوان را تبیین می‌کند.

ارتباط مثبت بین نیازهای ایمنی، قدردانی، اجتماعی و خودشکوفایی با گذران اوقات فراغت نیز نشان می‌دهد که هرچه دختران نوجوان بیشتر چنین نیازهایی را احساس کنند بیشتر نیز به گذراندن اوقات فراغت می‌پردازند. در زمینه نیاز ایمنی که شامل ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس، از نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان، نظم قانون، محدودیت و داشتن حامی مقتدر و الی آخر است (نیک رحیمی، ۱۳۷۴: ۱۳)، شاید بتوان گفت که ممکن است

دختران در مکان‌هایی که به گذران اوقات فراغت مشغول هستند و با انجام چنین فعالیت‌هایی در مقایسه با سایر مکان‌ها و فعالیت‌ها بیشتر احساس امنیت و آسایش و ثبات می‌کنند. در رابطه با نیاز قدردانی و احترام، شاید بتوان گفت که دختران زمانی که در این فعالیت‌های فراغتی به سر می‌برند بیشتر مورد پذیرش دوستان و هم‌نوعان خود و حتی افراد خانواده و سایرین هستند و این احساس پذیرش و مقبولیت می‌تواند نیاز آنان به احترام و قدردانی را برآورده سازد. لذا آنان برای کسب احترام و مقام بالاتر به فعالیت‌های فراغتی مورد علاقه‌شان روی می‌آورند. مازلو این نیاز را در دودسته طبقه‌بندی می‌کند؛ دسته اول شامل نیاز به قدرت، موفقیت، ابراز لیاقت، شایستگی، تبحر و مهارت و اعتمادبه‌نفس در مواجهه با وقایع، استقلال و آزادی می‌باشد و دسته دوم شامل نیاز به اعتبار با حیثیت، مقام، شهرت و افتخار، تسلط و برتری، شناسایی توجه، اهمیت و حق شناسی می‌باشد (همان: ۱۵). احترام مفهومی است که دارای پتانسیل پاسخگویی به نیازهای فرد در زندگی اجتماعی خود (مانند دارایی و شهرت) و اثبات ارزش‌های اخلاقی است که برای جامعه اخلاقی ما ساخته می‌شود و به وسیله آن مایل به زندگی هستیم (کریمر و مولدر^۱، ۲۰۰۷: ۴۴۱).

در رابطه با نیاز اجتماعی نیز می‌توان بیان نمود که با توجه به این که اکثر این فعالیت‌ها بصورت جمعی انجام می‌شود، دختران نوجوان بیشتر در ارتباطات اجتماعی درگیر می‌شوند و دایره‌آشنایی‌ها و دوستی‌های خود را گسترش می‌دهند. زمانی که نیازهای عشق و محبت و مهربانی و تعلق یا نیاز اجتماعی در فرد بیدار می‌شود، برخلاف گذشته به شدت درد تنهایی، غیاب دوستان، انزوا، نداشتن دوست و جایگاه در جامعه را احساس می‌کند. آدمی تشنه روابط عاطفی با مردم بطور کلی یعنی داشتن جایگاهی در گروه یا خانواده‌اش است و با شدت هرچه تمام‌تر می‌کوشد تا به این هدف دست یابد (همان: ۱۴)، بنابراین دختران در زمان اوقات فراغت می‌توانند تنهایی خود را پر کنند و بیشتر وارد روابط اجتماعی شوند.

همچنین، در ارتباط با نیاز خودشکوفایی، به نظر می‌رسد که دختران نوجوان اصولاً بیشتر به فعالیت‌هایی می‌پردازند که مورد علاقه‌شان باشد و بیشتر به شکوفایی استعدادها و توانایی‌هایشان کمک کند، مانند انواع کلاس‌های آموزشی. به نظر مازلو، نیازهای مربوط به

خودشکوفایی که عالی‌ترین نیازها هستند، احتیاج آدمی را به درک حقایق امور و درک زیبایی می‌رساند و به بروز و ظهور استعدادها و ذوق او میدان می‌دهد. این نیازها ضمناً منشأ کشف مجهولات و ایجاد علوم و فنون و هنرهای زیبا بوده‌اند و ازاین پس نیز خواهند بود (سیاسی، ۱۳۶۷: ۲۴۴). وقتی او به خویش‌شناسی واقع‌بینانه اشاره می‌کند منظورش نیاز به شناخت فرد بوسیله خود او است، شناخت این که او چه می‌تواند باشد و توانایی چه کارهایی را دارد. فرد باید به آنچه می‌تواند دست یابد و همانی باشد که در ید قدرت و توانایی اوست (نیک رحیمی، ۱۳۷۴: ۱۶). از جمله ویژگی‌های افراد خودشکوفای می‌توان به ادراک بسیار کارآمد از واقعیت، پذیرش خود، دیگران و طبیعت بطور کلی، علاقه اجتماعی، روابط بین فردی، خلاق بودن، ساختارمنشی دموکراتیک، مقاومت در برابر فرهنگ پذیری و غیره اشاره نمود (شولتز، ۱۳۸۱: ۳۷۰-۳۷۳).

در بیان رابطه بین بعد خانوار و گذراندن اوقات فراغت نیز هرچه بعد خانوار کوچک‌تر باشد، دختران بیشتر به فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازند. زیرا والدین هم فرصت بیشتری برای پرداختن به امور آنان دارند و هم برای تعداد فرزندان کمتر، بیشتر می‌توانند هزینه کنند. همانگونه که بوردیو نیز معتقد است که پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است.

پیشنهادهای

- لزوم به رسمیت شناختن اوقات فراغت به عنوان یکی از نیازهای بسیار مهم انسانی و برنامه‌ریزی دقیق و ارائه بودجه کافی برای ارتقای فعالیت‌های مرتبط.
- لازم است از برنامه‌ریزی متمرکز در پایتخت برای سایر شهرها و روستاها جلوگیری شود، بلکه برنامه‌های اوقات فراغت باید در هر شهر و منطقه با توجه به شرایط محیطی و فرهنگی آن و توجه به اولویت نیازها و علایق آنان صورت بگیرد.
- توجه به نیاز گذران اوقات فراغت برای گروه‌های سنی و جنسی مختلف با توجه به شرایط و ویژگی‌هایی که هر یک دارند.

- ایجاد یک نهاد اختصاصی برای پرداختن به اوقات فراغت دختران نوجوان بر اساس علایق، توانایی، استعداد و مهارت های آنان.
- در نظر گرفتن مهمترین قسم برنامه ریزی اوقات فراغت برای جوانان و نوجوانان دانش آموز که بخصوص در فصل تابستان دغدغه خاطر درسی ندارند.
- بسیار مناسب است که شناسنامه یا طرحی همانند آن برای جوانان و نوجوانان در زمان اوقات فراغت تهیه شود. تا با ارائه به مراکز مربوطه در هر منطقه، با توجه به نوع مهارت ها و فعالیت های قبلی آن ها، امکان تداوم بهتر استفاده از کلاس ها و آموزش های تابستانه فراهم گردد و از تکرار و موازی کاری و در نتیجه، کاهش انگیزه ها جلوگیری شود.

منابع

- ۱- ابراهیمی، قربانعلی و عباس بهنوئی گدنه (۱۳۸۸). "اوقات فراغت و هویت: بررسی جامعه شناختی رابطه اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابلسر". فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۵، ش ۱۴، صص ۱۴۸-۱۲۷.
- ۲- ابراهیمی، قربانعلی، رازقی، نادر و رقیه مسلمی پطروودی (۱۳۹۰). "اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. شهرستان جویبار"، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۴، صص ۷۱-۹۸.
- ۳- ابراهیمی، قربانعلی و رقیه مسلمی پطروودی (۱۳۹۰). "اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان (مطالعه موردی زنان (شهرستان جویبار)". زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، سال ۹، شماره ۴، صص ۷۳-۹۱.
- ۴- برازنده، علیرضا (۱۳۷۷). "بررسی عوامل مؤثر در گذران اوقات فراغت کارمندان بانک مرکزی در مقطع زمانی ۷۶-۱۳۷۵"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۵- پیرو، آ (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

- ۶- پور اسماعیل، احسان (۱۳۸۵). "بهره وری از اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه-شناسان و مقایسه آن با آموزه‌های وحیانی". *مجله پژوهشی دینی*: شماره ۱۴، صص ۲۰۷-۱۸۴.
- ۷- تیا، مجتبی. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه‌ی پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی"، *پایان-نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران*.
- ۸- خواجه نوری، بیژن و علی اصغر مقدس (۱۳۸۸). "رابطه بین تصور از بدن و فرآیند جهانی شدن، مطالعه موردی زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۰، شماره ۱، صص ۱-۲۴.
- ۹- خواجه نوری، بیژن و فاطمه هاشمی نیا (۱۳۸۹). "رابطه اوقات فراغت و بزهکاری، نمونه مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، صص ۳۱-۵۷.
- ۱۰- خواجه نوری، بیژن و علی اصغر مقدس (۱۳۸۷). "بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت: مطالعه موردی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباد"، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، نیمه دوم ۱۳۸۷، صص ۱۵۵-۱۳۳.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۱). *لغت نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- ربانی، رسول و یاسر رستگار (۱۳۸۷). "جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی". *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال ۳، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۴۴-۵۳.
- ۱۳- رجبی، محمد (۱۳۶۹) گذران اوقات فراغت دانش آموزان شهر شیراز، *مجموعه مقالات اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه استان فارس*، شماره ۴.
- ۱۴- رجبی، ماهرخ و هما آقا (۱۳۶۹). "گذران اوقات فراغت دانش آموزان شهر شیراز"، *مجموعه مقالات اقتصادی و اجتماعی*.
- ۱۵- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۶). *قدرت، جنسیت و فراغت، سمینار معماری کلان اوقات فراغت در تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، اردیبهشت ۸۶*

- ۱۶- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳ب). جوانان و گذران اوقات فراغت، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- ۱۷- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳الف). *تدوین راهبردهای ملی گذران اوقات فراغت جوانان*، مهندسان مشاور فرهاد.
- ۱۸- سفیری، خدیجه و فاطمه مدیری (۱۳۸۷). "تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت". *فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری*، سال ۱، شماره ۵، صص ۱۷۰-۱۴۷.
- ۱۹- سفیری، خدیجه و فاطمه مدیری (۱۳۹۰). "فرا تحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر اوقات فراغت"، *مطالعات جامعه شناختی*، شماره ۳۸، صص ۱۶۶-۱۴۵.
- ۲۰- سیاسی، علی اکبر (۱۳۶۷). *نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی*، چاپ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۱- شولتز، دوان (۱۳۸۱). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقش بندی، چاپ ۳، تهران: نشر ارسباران.
- ۲۲- صادقی، رسول؛ بلالی، اسماعیل و احمد محمدپور (۱۳۸۹). "نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت"، *رفاه اجتماعی*، شماره ۱۰، صص ۳۸۹-۳۵۷.
- ۲۳- صالحی، ناصر (۱۳۷۸) "بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان اداره کل شیلات استان گیلان"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۲۴- عابدینی، نرگس (۱۳۷۲). "بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دختران دبیرستانی در منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- ۲۵- کوزر، لوییس (۱۳۸۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ۲۶- معین، محمد (۱۳۸۰)، *فرهنگ فارسی*، تهران، نشر سرایش.
- ۲۷- نیک رحیمی، اعظم (۱۳۷۴). *تئوری‌های نیاز و انگیزش*. چاپ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

۲۸- هیوود، لیس؛ فرانسیس کیو، بی تر براهام، جان اسپینک، جان کاپنر هارست و یان هنری (۱۳۸۰). *اوقات فراغت*، مترجم محمد احسانی. تهران: نشر امید دانش.

- 29- Birkeland , M.S., Torsheim,T. Wold, B. (2009)."A longitudinal study of the relationship between leisure-time physical activity and depressed mood among adolescents". *Journal of Psychology of Sport and Exercise*, 10, 25° 34.
- 30- Cremer, D. D and L. B. Mulder. (2007). " A Passion for Respect: On Understanding the Role of Human Needs and Morality". *Gruppendynamik und Organisationsberatung*, No. 38, pp. 439-449.
- 31- Harper, F. D., Harper, J. A. and A. B. Stills. (2003). " Counseling Children in Crisis Based on Maslow s Hierarchy of Basic Needs". *Klwwer Academic Publishers*, pp. 11-25.
- 32- Parker, S. (1976). *The Sociology Of Leisure*
- 33- Pavels, L and R. Svensson. (2009). "adolescent lifestyle risk by gender and ethnic background", *European journal of criminology*, Vol. 6, No. 1, pp. 5-23.
- 34- Rojek, ch. (1989). *Leisure for leisure, critical essays*, Macmillan press.
- 35- Stodolska, M. (2006). "Transnationalism and Leisure: Mexican Temporary Migrants in the U.S.", *Journal of Leisure Research*, Vol. 38, No. 2, p. 143-167.
- 36- Thompson, A. M, Humbert, M. L, & Mirwald, R. L.(2003) "Alongitudinal study of the impact of childhood and adolescent physical activity experiences on adult physical activity perception and behaviors" *QualitativeHealth Research*, 13, p. 358 ° 377.
- 37- Wynne D. (1998). *Leisure, Lifestyle and the New Middle Class*,Routledge, London& NewYork.